

از عشقم به لندکروز به عشق نیاز مندان گذشتم

گفت و گوبا «محرم بیرق دار» نیکوکار تبریزی که با فروش خودروی شاسی بلندش هزینه درمان ۲۴ بیمار پیوندی را پرداخت و خیریه اش تاکنون بیش از ۱۲۴ هزار بسته معیشتی توزیع کرده است



مجید حسین زاده | روزنامه نگار

پرونده

برای یک پسر جوان داشتن خودروی شاسی بلند جذاب است و برای کسی که تجربه رانندگی و نشستن پشت فرمان چنین خودروهایی را داشته، دل کندن از آن ها کار ساده ای نیست. «محرم بیرق دار» و همسرش، ۶ سال پیش تصمیمی گرفتند که تحسین بسیاری از افراد را برانگیخت. آن ها خودروی لند کروز شان را فروختند تا بتوانند به بیماران نیازمندی که در نوبت پیوند بودند، کمک کنند. این زوج نیکوکار با فروش خودروی شاسی بلندشان، ۲۴ انسان را به زندگی برگرداندند و البته دل اطرفیان و آشنایان آن ها را هم شاد کردند. بعد از آن تصمیم بود که او و همسرش بعد از سال ها کار خیر در سکوت خبری، تشکیل خیریه ای شامل جوانان نیکوکار و فعال تبریزی تشکیل دادند. گروه نیکوکارانه آن ها که روزگاری فقط شامل ۲ نفر یعنی آقای بیرق دار و همسرش بود، حالا بیش از ۲۰۰ نیکوکار پای کار دارد که دغدغه کمک به نیازمندان و گره گشایی از کار آن ها را دارند. در پرونده امروز زندگی سلام با «محرم بیرق دار»، درباره ماجرای فروش لندکروز برای کمک به بیماران، فعالیت های پر شمار خیریه اش، پسر بچه ای که باعث و بانی توزیع هزاران بسته شب پلداپی شد و ... گفت و گو کردیم.



ZENDEGI-SALAM

ضمیمه روزنامه خراسان

سه شنبه • ۴ مهر ۱۴۰۲
۱۰ ربیع الاول ۱۴۴۵ • ۲۶ سپتامبر ۲۰۲۲
شماره ۲۱۳۱۶

۲۵۳۵



آرامش این کارها را با هیچ چیزی عوضی نمیکنم

از او درباره شغلش می پرسم که می گوید: «من گاوداری دارم.» به بیرق دار می گویم از این کار های نیکوکارانه خسته نشده؟ جواب می دهد: «حس و حال من بابت این کار ها، قابل وصف نیست. من دوستانی دارم که در این مسیر آوردم. یک یادوسال اول من باید پیگیری می شدم که بیشتر بیایند اما الان علاوه بر خودشان، خانواده آن ها هم پای کار هستند. هر کسی در این مسیر ها قدم بردارد، می داند که خداوند چندین برابر بکت می دهد و می داند که خستگی در این مسیر معنایی دارد. انجام این نوع فعالیت های انسان دوستانه احساس آرامش بسیار خوبی به زندگی انسان می بخشد. برکت در زندگی انسان بیشتر می شود و اگر پیش از این مشکلاتی در زندگی بوده به لطف خدای مهربان آن ها حل می شود. آرامشی که خودم و افرادی که به آن ها کمک می کنم، به دست می آید، با هیچ چیز عوضی کردنی نیست.»

کاپیتان تیم ملی فوتبال با من تماس گرفت



مدیر و موسس «خبرین جوان تبریز» در پایان می گوید: «ما در زلزله خوی هم ۸ باب منزل مسکونی ساختم. ۱۵۳ کانکس توزیع کردیم. از لحظات اولیه پای کار بودیم. آن زمان، «احسان حاج صفی» کاپیتان تیم ملی فوتبال کشورمان هم با من تماس گرفت و برای واریز کمک های مالی اعضای تیم ملی

به زلزله زدگان خوی اعلام آمادگی کرد. ما دو ماه شبانه روزی در خوی به عشق مردم، تلاش کردیم تا گریه از کارشان باز کنیم. این را هم باید اضافه کنم که هم اکنون اعضای تیم خیران جوان تبریزی، تقریباً ۲۰۰ نفر هستند که هر زمان لازم باشد، پای کارند و بیشتر این افراد هم جوان هستند. در ضمن، تأمین ماهانه داروی ۸۳ بیمار نیازمند، توزیع رایگان ۱۶۰۰ انسولین قلمی، راه اندازی پوشش جمع آوری لباس برای نیازمندان، احداث، تعمیر و بهسازی مسکن محرومان، تهیه لوازم ضروری زندگی برای خانواده های نیازمند، تهیه گوشی همراه و تبلت برای دانش آموزان بی بضاعت و توزیع مستمر بسته های معیشتی از جمله فعالیت های موسسه خیریه ما است.»



این جا می روم بندر عباس، شهرستان میناب، ۵ یا ۶ تریلی هندوانه می خرم و به همراه انار، پشمک، پرتقال، باقالی و این جور اقلام دیگر، بین افراد نیازمند توزیع می کنم.»



لندکروز مرا ۳۵۰ میلیون تومان فروختم و الان قیمتش ۱۵ میلیارد است

از او می پرسم با توجه به افزایش قیمت خودروهای خارجی در سال های اخیر، از این تصمیم پشیمان نشده؟ می گوید: «نه، هرگز! به جای آن خدا برایم خیلی چیزهای دیگر را درست کرده و بارها دستم را گرفته است. من هنوز هم همان دناپی را دارم که آن سال خریدم. لندکروز را حدود ۳۵۰ میلیون تومان فروختم و الان همان خودرو نزدیک ۱۵ میلیارد تومان قیمت دارد. حالا اصلاً برایم مهم نیست. به جایش دل ۲۴ خانواده را شاد کردم که نمی توان روی آن هیچ قیمتی گذاشت. از عشقم به لندکروز به عشق نیازمندان گذشتم و از این تصمیم خوشحالم.»



نگاه فقرا به لندکروز مان، اذیت مان می کرد

از او درباره ماجرای فروش لندکروزشان برای کمک به بیماران نیازمند پیوند عضو می پرسم؛ تصمیم تحسین برانگیزی که سخت به نظر می رسد. خودش در این باره می گوید: «سال ۹۶ بود که ما این خودرو را در تصمیم مشترکی با همسرم فروختمیم. پول آن هم برای درمان بیماران نیازمند هزینه شد. ماجرایش هم به روزی برمی گردد که خانم گفت که ما داریم با این خودرو مدل بالا به مناطق پایین شهر می رویم، درست نیست و حس خوبی از نگاه های مردم نمی گیرد. نگاه مردم آن منطقه به خودروی شاسی بلندمان، اذیت مان می کرد. بعضی ها به محض این که ما شین را می دیدند، سریع می آمدند و می گفتند که آقا ما مشکل مالی داریم، کمک کنید. ما هم توان کمک به همه را نداشتیم. ما خانه هایی را می رفتیم که چندین ماه بود یک وعده غذای گوشتی نخورده بودند. مردمی را می دیدیم که هزینه یک عمل جراحی نداشتند و خود یا عزیزشان روز و شب دردمی کشیدند و پول عمل نداشتند. وقتی این افراد را دیدیم، تصمیم گرفتیم که خودرو خارجی و شاسی بلندمان را بفروشیم و یک خودرو دنا بخریم. تمام باقی مانده آن پول را هم برای عمل جراحی نیازمندان و کمک به فقرا صرف کردیم. در قدم اول ۲۴ بیمار نیازمند را شناسایی و هزینه درمان ۲۴ بیمار پیوندی را پرداخت کردیم.»

بیشتر اقلام اهدایی مان را مردم به ما می رسانند



از او درباره تأمین هزینه های بسته های معیشتی، تحصیلی، شب پلدا و ... می پرسم؛ این که چطور پول آن ها را فراهم می کند؟ می گوید: «شاید باورتان نشود ولی بیشتر این اقلام را من نخریدم و پولی برای آن پرداخت نکردم. بیشتر آن ها را افراد دیگری خریدند و برای من آوردند و تحویل دادند. مثلاً در همین ماجرای بسته تحصیلی که الان در حال توزیع آن ها هستیم، یک کتاب فروشی در تبریز داریم که سه شعبه بزرگ دارد. چند روز پیش با من تماس گرفتند که گفتند می خواهند ۱۰۰ بسته دفتر به ما برای توزیع بین نیازمندان به رایگان بدهند. از این جور اتفاقات در این سال ها، بسیار زیاد دیدم. به خصوص در چند سال اخیر که خیریه زدیم و مردم ما را می شناسند، کمک می کنند و برکت زیادی هم می کند. مردم خیلی حمایت می کنند و باید همین جا از آن ها تشکر کنم.»

همسرم اصلاً درگیر تجملات نمی شود

درباره همراهی همسرش در این مسیر می پرسم که می گوید: «همسرم ساده زیست است و اصلاً درگیر تجملات نمی شود. باید از او تشکر کنم که در این مسیر نه تنها همراه من بوده و مانع نشده بلکه به من برای کمک های بیشتر، انگیزه هم می بخشد.»

«الان کمک های مردمی به ما زیاد شده است اما قدیم، فقط خودم و خانواده ام بودیم که هزینه های مالی این کار های خیرخواهانه را تأمین می کردیم. ابتدا دوا نفره با همسرم شروع کردیم. سپس فامیل و آشنایان مان اضافه شدند.» از بیرق دار

سال ۸۸ با همسرم تصمیم به کار خیر گرفتیم

او که با خود و خدایش عهد کرده تا جایی که در توان دارد در شاد کردن دل های نیازمندان بکوشد، درباره زمانی که تصمیم گرفته تا بیشتر از گذشته در کار های خیر فعالیت داشته باشد، می گوید: «من از سال ۸۸ تصمیم گرفتم برای کار های خیر، بیشتر برنامه ریزی کنم و در این حوزه، فعال تر شوم. در تبریز مناطق حاشیه شهر زیاد است که افراد نیازمند زیادی هم در آن جاها به کمک نیاز دارند. تقریباً از کمک به افراد همان جاها شروع کردم. در همان روز های ابتدایی، بیمارانی را شناسایی کردم که نیاز فوری به پیوند اعضا داشتند. وقتی به آن محلات رفتم، متوجه شدم مشکلات زیادی مردمان آن مناطق را با خود درگیر کرده است. حاشیه نشینی، مرضی داری، اعتیاد و ... هر کدام به نوعی آزار دهنده است. ابتدا خودم با خانم مشغول بودیم و فقط ۲ نفر بودیم. یعنی یک گروه دوا نفره بودیم. آن روز که برای اولین بار به آن مناطق رفتم، سعی کردم به حرف ها و درد دل هایشان گوش کنم. زمان گذشت تا سال ۹۸ که مجموعه ای تشکیل دادیم به نام خبرین جوان تبریزی.»



در زمان کرونا تلاش مان را بیشتر کردیم

«همین الان که صحبت با شما می کنم، در مسیر توزیع بسته هایی هستم که برای دانش آموزان آماده شده است. الان در مسیر هستم تا بروم و آن ها را به دست خانواده های مد نظر برسانم. این بسته ها، امسال شامل کیف هم می شود. علاوه بر آن، دفتر، انواع مداد، مداد نقاشی، مداد تراش، خودکار، پاک کن، نوشت افزار و ... است.» بیرق دار و همسرش سال ها در سکوت خبری و رسانه ای فعالیت های خیرخواهانه خود را ادامه دادند تا این که جوان های شهر متوجه می شوند و تصمیم می گیرند که در این مسیر با آن ها همراه شوند. او ادامه می دهد: «ما از سال ۹۸ به صورت رسمی، کارمان را آغاز کردیم. تا امروز طبق آمار ۱۲۴ هزار بسته معیشتی آماده سازی و بین نیازمندان توزیع کرده ایم. به خصوص در زمان کرونا که درآمد مردم و قشر نیازمند کاهش یافت، تلاش کردیم با فعالیت بیشتر باعث شویم تا با سختی و چالش های کمتری مواجه شوند. اسفند سال ۹۸ با شیوع ویروس کرونا و کمبود ماسک و مواد ضد عفونی، ۱۰۰ بطری ۲۰ لیتری محلول ضد عفونی، ۵۵ هزار عدد ماسک، ۳۰ هزار عدد ژل ضد عفونی و ... بین نیازمندان توزیع کردیم.»